

تبیین زمینه‌های شکل‌گیری جریان‌های سلفی-تکفیری در جهان اسلام

*رشید رکابیان^۱، مرتضی بابایی^۲

۱. دانشیار دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه آیت‌الله بروجردی

۲. دکترای مطالعات انقلاب اسلامی، دانشکده علوم اقتصادی و سیاسی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

اطلاعات مقاله

تاریخ دریافت: ۴ دی ۱۴۰۲

تاریخ پذیرش: ۲۷ مرداد ۱۴۰۳

تاریخ انتشار: ۲۰ آذر ۱۴۰۳

چکیده

در تاریخ پرفرازونشیب اسلام گروه‌ها، جریان‌های فکری و افرادی بودند که مخالفان خود از سایر فرقه‌ها و مذاهب اسلامی را تکفیر می‌کردند و به قتل می‌رساندند. با توجه به اینکه در عصر کنونی جنایات گروه‌ها و جریان‌های تکفیری به‌عنوان بزرگ‌ترین تهدید برای بشریت امروز، فارغ از نوع دین و ملیت آنها، مورد نظر است، باید تلاش کرد هویت و حامیان آنها را به جهان‌پژوهان شناساند. پژوهش حاضر با روش تحلیلی-توصیفی و روش کتابخانه‌ای جمع‌آوری شده است و به این سؤال پاسخ می‌دهد که «زمینه‌های شکل‌گیری جریان‌های سلفی-تکفیری در جهان اسلام کدام‌اند؟» یافته‌های تحقیق ضمن اشاره به پیشینه تاریخی جریان‌های تکفیری در جهان اسلام، زمینه‌های شکل‌گیری جریان‌های سلفی تکفیری را اندیشه‌ای، منطقه‌ای، بین‌المللی، جغرافیایی، سیاسی و جامعه‌شناختی می‌داند. براین اساس، با توجه به خدمت این جریان به استکبار جهانی و مخدوش کردن چهره اسلام در دنیا و... لازم است علمای مذاهب اسلامی برای ریشه‌کن کردن جریان تکفیری، نهضت علمی تشکیل دهند.

کلیدواژه‌ها:

جریان‌های سلفی-
تکفیری، داعش، جهاد،
خلافت، تکفیر

*نویسنده مسئول:

دکتر رشید رکابیان

نشانی: دانشکده حقوق و علوم

سیاسی دانشگاه آیت‌الله بروجردی.

پست الکترونیک:

ra.recabian@abru.ac.ir

استناد به این مقاله:

رکابیان، رشید و بابایی، مرتضی. (۱۴۰۳). تبیین زمینه‌های شکل‌گیری جریان‌های سلفی-تکفیری در جهان اسلام. مطالعات بنیادین و کاربردی جهان اسلام، ۱۱۰-۸۵.

۱. مقدمه

«سلفیه» در اصطلاح، نام فرقه‌ای است که به دین اسلام تمسک بسته، خود را پیرو سلف صالح می‌داند و در اعمال، رفتار و اعتقادات خود سعی بر تابعیت از پیامبر اسلام (ص)، صحابه و تابعین دارد. در اندیشه سلفیون متقدم، اسلوب‌های عقلی و منطقی جایگاهی ندارد و تنها نصوص قرآن، احادیث و نیز ادله مفهوم از نص قرآن برای آنان ارجحیت دارد. در دو قرن اخیر، جهان اسلام شاهد گرایش‌های انحرافی جدیدی در قالب مبارزه با بدعت، شرک و تشکیل خلافت اسلامی بوده و به این بهانه جنایت‌های بسیاری در کشورهای اسلامی صورت می‌گیرد. بی‌تردید این جریان‌ها دفعتاً ظهور و بروز نکرده است و ریشه‌ها و عوامل گوناگونی در شکل‌گیری آنها موثر بوده است که یکی از عوامل مهم فتنه‌گری در منطقه جریان سلفی تکفیری است که در لباس دفاع از سنت، عملاً در مسیر منافع غریبان گام برمی‌دارد. براین اساس، قدرت‌های بین‌المللی، شرایط جغرافیایی، زمینه‌های جامعه‌شناسی و... در شکل‌گیری این جریان تأثیرگذار بوده است. به تاسی از این مقدمه، پژوهش مذکور ضمن اشاره مختصر به پیشینه تاریخی جریان‌های سلفی تکفیری، عوامل موثر در شکل‌گیری این جریان‌های افراطی را تبیین می‌کند.

۲. پیشینه تحقیق

سیدمهدی نورانی (۱۳۹۳) در کتاب «داعش از کاشت تا برداشت» که در چهار فصل سامان یافته است، در فصل اول به تعریف و تاریخ شکل‌گیری سلفیه پرداخته است. در فصل دوم، سازمان تروریستی داعش، مراحل شکل‌گیری آن، تشکیلات سازمانی، قدرت نظامی، فعالیت‌های رسانه‌ای، جغرافیای حضور داعش و... معرفی شده است. سپس در زمینه حامیان منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای داعش مباحثی ارائه شده است. در نهایت نیز راهکارهای مقابله با داعش و اهداف آمریکا مطرح شده است.

سیدجواد موسوی و حسین رهنمایی (۱۴۰۲) در مقاله «جریان‌های تکفیری جهادی در عراق و سوریه» معتقدند پیدایش این جریان به تحولات پس از جنگ عراق در سال ۲۰۰۳ و آشوب‌های سال ۲۰۱۱ در سوریه برمی‌گردد. اگرچه پیش از این، زمینه‌های شکل‌گیری جریان‌های تکفیری رادیکال در محیط بحران فراهم بوده؛ صف‌آرایی کنشگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نیز در بروز و تشدید بحران و همچنین ظهور و پیدایش جریان‌های تکفیری نقش اساسی و موثری داشته است.

سیدعلی نجات (۱۴۰۳) در مقاله «سیاست آمریکا در قبال داعش» با بهره‌گیری از تئوری «آشوب سازنده» به دنبال پاسخ به دو پرسش به هم پیوسته است. نخست، دلایل همسویی آمریکا با داعش چیست؟ و دوم، کدامین عوامل باعث تغییر راهبرد ایالات متحده آمریکا نسبت به گروه داعش شده است؟ نویسنده در پاسخ معتقد است که اهداف آمریکا از همسویی با داعش برای تضعیف و مهار قدرت ایران و هم‌پیمانان منطقه‌ای آن و ایجاد هرج و مرج در کشورهای ائتلاف مقاومت در جهت خدمت به منافع اسرائیل است. همچنین عواملی از جمله ترس از به مخاطره افتادن منافع اقتصادی آمریکا در عراق، تهدید منافع منطقه‌ای آمریکا و فریب افکار عمومی باعث تغییر رویکرد آمریکا نسبت به گروه داعش شده است.

محمدحسین قنبری جهرمی و الماس اسلامی (۱۴۰۲) در مقاله «تحلیل و بررسی جامعه‌شناختی خاستگاه‌های سیاسی متقدم و متأخر تکوین داعش» معتقدند خواستگاه‌هایی که در بادی امر (و در پی جنگ بین‌الملل اول)، با بر هم زدن توازن قوا و تشدید بی‌سابقه توزیع نابرابر اقتدار بین دین اسلام و ادیان محور استعماری غربی-شرقی و تضاد و تعارض انبعث‌یافته از بطن آن، به نحوی واکنشی منجر به تکوین و تطور جنبش‌های بنیادگرای سلفی مدرن (به عنوان محملی برای تکوین داعش) شد و در وهله ثانی (از سال‌های آغازین قرن بیستم) و با دخالت قدرت‌های خارجی با تبدیل اقتدار نابرابر مذکور به اقتدار نابرابر داعش و سایر فرق اسلامی (به‌طور عام) و داعش و تشیع (به‌طور خاص) و تشدید جنگ مذهب علیه مذهب کمک شایانی به تکوین و تقویت این سازمان و توسعه آن کرد.

مجتبی عبد خدایی و زینب تبریزی (۱۳۹۴) در مقاله «نقش گروه‌های تکفیری- تروریستی سوریه و عراق در تأمین امنیت اسرائیل» پدیده خیزش عربی، ظهور و گسترش گروه‌های نوسلفی در خاورمیانه و تأثیرشان در امنیت اسرائیل را تحلیل کرده‌اند.

کتب و مقالات فوق تنها بخش کوچکی از مکتوبات ارائه شده در زمینه شکل‌گیری سلفی‌گری را تحلیل کرده‌اند، اما هیچ‌یک شکل‌گیری گروه‌های سلفی بر اساس شاخصه‌های چندگانه زمینه‌های فکری، منطقه‌ای و بین‌المللی، جغرافیایی و جامعه‌شناختی را بررسی نکرده‌اند.

۳. مفاهیم و مبانی نظری پژوهش

سلف: واژه «سلف» به معنای پیشین است (Ibn Manzoor, 1997: 158) و بر تقدم و سبقت دلالت

دارد. سلف کسانی هستند که در گذشته بوده‌اند. (Ibn Faris, 1982: 95) در اصطلاح، سلفیه فرقه‌ای است که با تمسک به دین اسلام، خود را پیرو سلف صالح دانسته و در اعمال، رفتار و اعتقاداتش سعی بر تابعیت از پیامبر اسلام (ص)، صحابه و تابعین دارد. (Enayat, 1984 : 56)

گرایش‌های مختلف سلفیه عبارت‌اند از:

۱- سلفیه تکفیری: کسانی هستند که تنها خود را مسلمان می‌دانند و غیر خود را کافر و مه‌دور الدم می‌شمارند. (Tabasi, 2006 : 87)

۲- سلفیه جهادی: کسانی هستند که هجرت و جهاد را برای تشکیل حکومت اسلامی واجب می‌دانند. این رویکرد ریشه در عقاید سید قطب دارد. (Moeininia, 2013: 67)

۳- سلفیه تبلیغی: سلفیه تبلیغی در برابر سلفیه تکفیری است و محور فعالیت‌های خود را بر تبلیغ اندیشه‌ها و مبانی سلفی‌گری قرار داده است. (Yazdani, 2013: 54)

۴- سلفیه سیاسی: عمدتاً برای به دست گرفتن قدرت سیاسی و اداره جامعه تلاش می‌کند.

۵- سلفیه اصلاحی: این گروه از سلفیه علت اصلی عقب‌ماندگی جوامع مسلمان را دور شدن آنان از قرآن و سنت می‌داند و همه مسلمانان را به بازگشت به اسلام اصیل توصیه می‌کند. (Alizadeh Mousavi, 2014 : 91-103)

مفهوم‌شناسی تکفیر: تکفیر از مصدر «کفر» در لغت به معنای پوشاندن و پنهان کردن است. (Ibn Faris, 1977) اگر شخصی مرتکب گناهی شود، از نظر جریان سلفی کافر و خونش مباح است. تکفیر در اصطلاح فقهی کلامی به معنی نسبت دادن کفر به شخصی یا گروهی از انسان‌هاست که در قرآن کریم مصادیق متعدد دارد. (Firoozabadi, 2013: 34)

۳-۱. پیشینه تاریخی جریان‌های تکفیری

پیشینه تکفیر در جهان اسلام به صدر اسلام بازمی‌گردد. برخی حوادث مهم تاریخ اسلام به سبب تکفیر روی داده است، همچنان‌که برخی رخداد‌های سیاسی و اجتماعی زمینه تکفیر را فراهم کرده است. از جمله رویدادهای مهم دوران پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) جنگ‌های رده در زمان خلیفه اول بود که دستگاه خلافت، معارضان خود را کافر و خارج از

دین خواند. (Ibn Atham Kufi, 1991: 15 and Siyuti, 1971: 6971) واقعه مهم تاریخی دیگر غائله خوارج است. این جریان تکفیری، مخالفان خود را کافر و خون و مال‌شان را حلال می‌دانست. پیدایش این فرقه به نیمه نخست قرن اول هجری و نبرد صفین برمی‌گردد که از سپاه امیرالمومنین (ع) جدا شدند و جریان جدیدی را بنا نهادند.

خوارج به فرقه‌های متعددی تقسیم شدند، اما تکفیر امیرالمومنین علی (ع)، عثمان بن عفان، حکمین، تمام اصحاب جمل و هرکسی که راضی به تحکیم حکمین شود و در نهایت تکفیر تمام کسانی که گناه کبیره مرتکب شوند، وجه مشترک اعتقادی تمام فرقه‌های خوارج است. (Baghdadi, 1977: 55) در پیشینه سلفی‌گری، اصحاب حدیث قرار دارند، هرچند به این عنوان شناخته نمی‌شدند، اما اصطلاح سلف میان‌شان رواج داشت. (Rashid, 1387: 45) احمد بن حنبل (م ۲۴۱ ق)، پیشوای آنان، پیروان خود را در کنار تبعیت از سنت پیامبر (ص)، به پیروی از اصحاب پیامبر یا هدایت‌یافتگان از اصحاب و تابعین دعوت می‌کرد. (Ibn Badran Damaschi, 1981: 53-54) سلف‌گرایی در پیروان ابن حنبل در سده‌های بعد، گاه به غوغایی اجتماعی هم بدل شد. برای مثال، در قرن چهارم قمری ابوبکر بربهاری، واعظ حنبلی، گروهی از حنبلیان تندرو در بغداد را گرد خود جمع کرد و با عنوان مبارزه با بدعت، در اقداماتی همچون مخالفت با مراسم عاشورای حسینی در تقابل با شیعه و در موضوعاتی همچون نحوه اعتقاد به صفات خدا در مقابل اهل سنت قرار گرفت. (Made-long, 1998: 78) بعد از او «ابن بطه» زیارت و شفاعت پیغمبر (ص) را انکار کرد. (Siden-jad, 2010: 27) اهل حدیث به تدریج از میان رفتند تا آنکه در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم «ابن تیمیه» سپس شاگردش «ابن قیم جوزیه»، آرا و نظریات بربهاری را احیا کردند و مجدداً عقاید اهل حدیث را با شدت بیشتری ترویج دادند بنابراین عنوان سلفیه از قرن هشتم قمری برای گروه‌های گراینده به سلف کاربرد یافت که ابن تیمیه (۷۲۸ ق)، عالم حنبلی دمشق، با تألیفات بسیار، اندیشه‌های سلفی را بنیان نهاد. (Paketchi and Hoshangi, 2013: 77) به گفته احمد پاکتچی، او منهاج السنه را در رد کتاب منهاج الکرامه علامه حلی و رساله‌هایی چون الرساله الحمویه را در رد اشاعره و نوشته‌هایی در رد طوایف صوفیه و هواداران ابن عربی نوشت. (Ibid: 78) پس از ابن تیمیه شاگردش ابن قیم جوزیه (۷۵۱ ق) اصلی‌ترین مروج افکار او بود. پس از او نیز ابن رجب حنبلی (۷۹۵ ق) این راه را ادامه داد. (Ibid: 79) در میان عالمان حنبلی نسل‌های بعد، گرایش سلفی امری رایج بود و اشخاصی چون عثمان بن

قائد (۱۰۹۷ ق) در نجد و محمد بن احمد سفارینی در شام از سلفیه بودند. در نیمه دوم سده دوازدهم قمری، محمد بن عبدالوهاب در عربستان با برخورداری از حمایت محمد بن سعود توانست دعوتی را در نقاط مختلف جزیره العرب گسترش دهد. اندیشه وی بر مبانی فکری ابن تیمیه استوار بود. در همین زمان، شاه ولی الله دهلوی (۱۱۱۴-۱۱۷۶ ق) مکتب سلفی را در شبه قاره هند نهاده کرد و در آثارش اعمالی مثل زیارت قبور، توسل، استغاثه، نذر و قسم را از مظاهر شرک شمرد. (Farmanian, 2016: 76-78) کمی بعدتر در مصر، رشید رضا که تحت تاثیر اندیشه‌های محمد بن عبدالوهاب قرار گرفته بود با حضور علمی و اجتماعی در عرصه این کشور یکی از بزرگان سلفیه در مصر شد. طالبان گروهی سلفی و جهادی و تلفیقی از مذهب دیوبندی و قومیت پشتو است که توانست در افغانستان به قدرت برسد. پس از حمله شوروی به افغانستان، گروهی از مسلمانان تندرو عرب، از نقاط مختلف جهان با انگیزه جهاد در این منطقه حضور یافتند. این افراد، که به افغان‌های عرب شهرت یافتند، تحت رهبری عبدالله عزام، که دیدگاه جهادیان اخوان المسلمین را داشت، سازمان یافتند. بعد از تحولات بیداری اسلامی در کشورهای عربی، داعش (الدولة الاسلامیه فی العراق و الشام) گروه تکفیری دیگری بود که از القاعده منشعب شده است. این گروه در سال ۲۰۰۶ با عنوان «جماعه التوحید و الجهاد» به رهبری ابومصعب زرقاوی در عراق تأسیس شد و به القاعده عراق مشهور شد. سپس بخش‌هایی از عراق و سوریه را اشغال کرد و در سال ۲۰۱۴ «دولت اسلامی در عراق و شام» را تشکیل داد و ابوبکر البغدادی را به عنوان خلیفه معرفی کرد. (Riz- 2011: 155) البته در تعریف عملیاتی از مفهوم سلفی‌گری می‌توان آن را مقوله‌ای دارای مراتب دانست که در عالم خارج، طیف وسیعی از سلفی‌گری سنتی و معتدل تا سلفی‌گری افراطی را دربر می‌گیرد. درواقع، امروزه جریان‌های سلفی واژه سلف را مصادره به مطلوب کرده و حتی مفهوم اهل سنت را عمدتاً در تقابل با شیعیان به کار می‌برند بنابراین ضمن هشدار درباره یکسان‌انگاری سلف‌گرایی و سلفی‌گری و تاکید بر تمایز بین جریان‌های سلفی‌گری با اهل سنت و فرق اسلامی، حد فاصل اینها را باید در مبانی و ایده‌های پایه‌ای جستجو کرد. (Sidenjad, 2010: 98) جریان سلفی‌گری در حوزه روش‌شناسی، نقل‌گرا؛ در حوزه معرفت‌شناسی، حدیث‌گرا؛ در حوزه هستی‌شناسی، حس‌گرا و در حوزه معناشناسی، ظاهرگراست. به عبارت دیگر، اندیشه سلفی همیشه عقل‌ستیز و کاملاً ارتجاعی است و در شمول مذاهب چهارگانه اهل سنت نیست. (Ebrahimi, 2013: 368)

۲-۳. زمینه‌های ایجاد جریان‌های سلفی تکفیری

در مورد شکل‌گیری جریان‌های سلفی تکفیری عوامل زیادی وجود دارد که در این تحقیق مهم‌ترین عوامل بررسی می‌شود.

۱-۲-۳. عوامل فکری و اندیشه‌ای

به لحاظ اندیشه، اسلام جریان سلفی در بستر اندیشه اهل سنت شکل گرفته بنابراین جریان سلفی‌گری را در قرن چهارم هجری (۳۲۳ ق) گروهی از اهل حدیث به وجود آوردند و در دوره معاصر طیفی از جریان‌های مختلف مانند سلفیه اصلاحی (اخوان)، سلفیه تقلیدی (وهایت عربستان)، سلفیه جهادی (القاعده و داعش)، سلفیه سروری (ترکیبی از سلفیه وهابی و اندیشه سید قطب)، سلفیه جامی (توسط شیخ محمد امان الله جامی) و سلفیه مدخلی (که توسط شیخ ربیع بن هادی المدخلی شکل گرفت) را دربر می‌گیرد. (Madrasi, 2014: 213) از جمله عوامل فکری و اندیشه‌ای ایجاد جریان‌های سلفی را باید در اندیشه‌های ابن تیمیه جستجو کرد. در حقیقت یکی از نقاط مهم و عطف تفکر سلفی‌گرایی ظهور ابن تیمیه است. (Ismail 2011: 23-23) یکی از مهم‌ترین تأثیرات فکری ابن تیمیه، که بعدها در گسترش رویکردهای مختلف سلفی‌گری و به ویژه افراط‌گرایی نوسلفی تأثیر بسزایی داشت، بسط فوق‌العاده مفهوم «تکفیر» بود. (Fateminejad, 2013: 31) پس از ابن تیمیه شاگردش ابن قیم جوزیه (۷۵۱ ق) اصلی‌ترین مروج افکار او بود. پس از او نیز ابن رجب حنبلی (۷۹۵ ق) این راه را ادامه داد. (Paketchi and Hoshangi: 2013: 79) در میان عالمان حنبلی نسل‌های بعد، گرایش سلفی امری رایج بود و اشخاصی چون عثمان بن قائد (۱۰۹۷ ق) در نجد و محمد بن احمد سفارینی در شام از سلفیه بوده‌اند. (ibid: 79) عبدالوهاب پس از ابن تیمیه نقش مهمی در بسط دایره تکفیر داشت و می‌توان وی را مهم‌ترین چهره سلفی‌گری سنتی دانست. (Madrasi, 2014: 73)

جریان‌های سلفی - تکفیری (جهادی) به دلیل اتخاذ رویکردهای متفاوت و فهم و تفسیر ساختگی و قرائت خشن و متحجرانه از اسلام (قرآن و سنت) و همچنین ترویج بدعت‌های خودساخته^۱ در زمینه‌های اعتقادی، سیاسی و اجتماعی از اندیشه اهل سنت فاصله گرفته و مدل حکومتی متمایزی را ارائه کرده‌اند. الگوی حکومتی مورد نظر این جریان با حکومت‌های سنتی «اقتدارگرا» همخوانی دارد. از مولفه‌های بنیادین اندیشه سیاسی سلفی - تکفیری، جهاد به عنوان

۱. برخی از بدعت‌های این گروه عبارت است از: جهاد نکاح، تخریب قبور، تکفیر و به غنیمت گرفتن مسلمین

تنها راه حل گذار از جامعه جاهلی به جامعه اسلامی است. به همین دلیل، جهاد اوجب واجبات و بالاترین عبادت تلقی شده و تنها طریق برای خروج از جهان جاهلی و نیل به حکومت و خلافت اسلامی است. (Faqihi, 1972: 67) نگاه سلبی این جریان به جامعه امروز و تلقی جامعه جاهلی از آن، از سویی و به تبع، نگاه آرمانی به عصر خلفای راشدین و سلف صالح از سوی دیگر، زمینه تامل آنها در راه‌های خروج از جامعه جاهلی امروز و دستیابی به الگوهای زندگی اجتماعی و سیاسی سلف صالح به‌ویژه خلافت راشده را سبب شده است. (Farmanian, 2013: 89) از جمله گزاره‌های تقریباً اجماعی میان متفکران و رهبران جریان سلفی تکفیری، ضرورت تشکیل «دارالخلافة علی منهج النبی» است. البته در تاکتیک‌های نیل به این آرمان، میان رهبران سلفی اختلاف نظر وجود دارد.

عبدالسلام فرج از رهبران سلفی تکفیری مصری در «الفریضه الغائبه» در ضرورت اقامه حکومت می‌نویسد: «اقامه احکام الهی روی زمین بر همه مسلمین واجب است و به تبع این وجوب، برپایی دولت اسلامی نیز بر مسلمین واجب است، زیرا آن واجب تمام نمی‌شود مگر به انجام این واجب. همچنین زمانی که دولت اسلامی اقامه نشود مگر به قتل، پس قتل نیز واجب می‌شود. (Faraj, 1981: 98) جریان سلفی تکفیری با توجه به اینکه حکومت خلفای راشدین را حکومت آرمانی خود معرفی می‌کند بنابراین هر نظم سیاسی در قالب خلافت غیر این را برنمی‌تابد و به اعتقاد اینها حکومت تغلبیه موجود در کشورهای اسلامی، مرتد و کافر محسوب می‌شود و حتی قیام علیه‌شان به عنوان دشمن، قریب واجب عینی است. این برخلاف دیدگاه خلافت در نظریه‌های قدیم و نیز جدید اهل سنت است، زیرا در نظریه‌های قدیم اهل سنت، «استیلا» و «تغلب» را یکی از منابع مشروعیت می‌دانند و قیام علیه آنان را مجاز نمی‌دانند یا در نظریه‌های جدید اهل سنت نظام‌های مدرن نظیر دموکراسی را می‌پذیرند، درحالی‌که در حکومت آرمانی سلفی تکفیری (خلافت راشدین) اقتدارگرایی چنان گسترده است که سخنی از آزادی و مشارکت سیاسی مردم مطرح نیست (Dekamjian, 2013: 67) و این رویکرد سلبی نسبت به دموکراسی به حدی است که گروه داعش آن را توجیهی برای قتل ۱۵۰۰ نفر از اهل سنت و وابسته به ارتش آزاد سوریه دانسته و می‌نویسد: «اینها کمک‌کنندگان به ارتش آزاد بودند که تصریح دارد به برپایی دموکراسی و این در نظر علمای خودشان هم کفر است، زیرا بر سکولاریسم ابتناء دارد. (Mira Ahmadi, 2015: 45) به عبارت دیگر، علت مخالفت‌شان با دموکراسی این است که حکومت بر اساس «بغیر ما انزل الله» شکل می‌گیرد و طبق قوانین

وضعیتی بشری یا عرف‌ها و تقالید حکم می‌کنند و این کفر و شرک است. مبنای مرزبندی سیاسی این جریان، همان عقیده است و اساساً دارالاسلام مورد نظر این جریان به دلیل وحدت در عقیده، مغایر با مرزبندی‌های ملی است (Sadr al-Hosseini, 2015: 45). بنابراین گروه داعش با تبلیغات وسیع و معرفی دولت خود به عنوان خلافت اسلامی راشده، سعی در اخذ بیعت از مسلمانان دارد و در همین راستا، گروه‌های سلفی از اندونزی تا مغرب با داعش بیعت کرده‌اند و براساس اندیشه این جریان، دنیا به توحید و شرک تقسیم می‌شود؛ (Mohsen El-Amin, 2008: 15) یعنی بخشی که مومن هستند و بخشی که غیر مومن‌اند و بین اینها رابطه جنگی برقرار می‌کند. براساس آموزه‌هایشان با دو جریان درگیر می‌شوند: اول گروه‌ها و فرقه‌هایی که به نظرشان جامعه را تهدید می‌کنند که این را اصطلاحاً «عدو قریب» می‌گویند و دوم، استعمار یا دشمن بیرونی است که این را اصطلاحاً «عدو بعید» می‌نامند، ولی بیشترین درگیری‌شان با داخل و «عدو قریب» است. از نتایج چنین روشی، برجسته شدن اصل عملی «جهاد» است که به رادیکالیسم و کاربرد خشونت تحت عنوان جهاد منجر می‌شود. (Al-Bakri, 2015: 18) می‌توان گفت دیدگاه‌های مودودی و سید قطب همراه عبدالسلام فرج، چهارچوب فکری بسیاری از اسلام‌گرایان سلفی را در دهه‌های ۹۰ و ۸۰ میلادی طراحی و پایه‌ریزی کرده است. افکار و عقاید سید قطب نقش بسیار مهمی در تعاریف هویتی یا بازیابی هویتی توسط جریان‌های سلفی جهادی داشته است. اصل اساسی در تفکر سید قطب، ایده جهاد به مثابه انقلاب مداوم جهان اسلام در برپایی آن چیزی است که وی با عنوان حاکمیت خدا براساس مبانی جهانی نامیده است. (Tibi, 2008: 13) مفهوم جهاد، اصلی کلیدی در اندیشه سید قطب است که آن را حرکتی تهاجمی و نه صرفاً تدافعی تفسیر کرده است. به نظر وی، ما موظفیم جامعه جاهلی را به جامعه الهی تبدیل کنیم مانند حرکت خود پیامبر (ص). (Seyed Qutb, 1401, 34-35) از نظر سید قطب مسلمانان واقعی آنهایی هستند که در راه اعتلای حق به جهاد مشغول‌اند. او به نقل تاییدی از ابن قیم، مدعی می‌شود که پیامبر (ص) در مدینه مامور شد که علاوه بر دعوت، از جنگ نیز استفاده کند؛ منتها تنها با کسانی که با وی جنگ می‌کنند، اما بعد از این مرحله، در نهایت دستور خدا این است که مسلمانان تا استقرار نهایی دین با تمام مشرکان بجنگند. سید قطب در انتقاد از کسانی که جهاد در اسلام را تنها دفاعی می‌دانند، آنها را شرق‌شناسانی معرفی می‌کند که می‌خواهند ماهیت و هدف اسلام را تغییر دهند (Seyed Qutb, 1979: 78) پس از سید قطب، محمد عبدالسلام فرج، مفهوم «الفریضه الغائبه» را مطرح کرد. به نظر

وی، اسلام به زور شمشیر گسترش یافته و جهاد دفاعی مردود است و جهاد تا قیامت ادامه خواهد داشت. (Bakhshi Sheikh Ahmad, 2003: 194) به این ترتیب، مفهوم «جهاد» یکی از لوازم بازگشت به عظمت اسلامی تلقی شده و خشونت به عنوان مکانیسم اعمال ایده‌ها به کار گرفته شده است. اینکه آیا شرایطی برای جهاد هست یا نه، اهمیتی ندارد و به حاشیه می‌رود و این درحالی است که در اندیشه علمای سنتی، جهاد باید براساس فرمان باشد. (Ghafari, 2013: 222-230)

بنابراین جهادگرایی این گروه‌ها به عنوان یک رویکرد تهاجمی، خشونت‌بار و صرفاً به معنای قتال، به گونه‌ای تحول یافته و به آن عمل شده که با فقه اهل سنت تعارضاتی پیدا کرده است.^۲ جهاد از نظر گروه‌های سلفی-تکفیری بیش از یک حکم فقهی فرعی و در ردیف اصول اولیه دین اسلام اهمیت یافته است. تکفیری‌ها بر این عقیده‌اند که جهاد، ترور و جنگ با دشمنان خدا امری ضروری و تکامل‌بخش برای دعوت مسالمت‌آمیز به تشکیل حکومت اسلامی است. آنان با تمسک به آیات الهی، آرای فقهای سلفی و وهابی و تفسیرهای خاص خود، جهاد ابتدایی، تروریسم و هرگونه خشونت علیه هرکسی را موجه جلوه داده و آن را مصداق جهاد در راه خدا می‌دانند. (Mana, 2015: 156) این شکل تفسیر از جهاد، که اولاً آن را از دایره فتوای علمای مسلمان خارج کرده و ثانیاً آن را صرفاً به معنای قتال معرفی می‌کند، بهترین زمینه را برای رسیدن به اهداف شوم این جریان‌ها فراهم کرده است. با توجه به مبانی نظری ذکرشده که جریان‌های تکفیری-جهادی بر مبنای آن عمل می‌کنند، نوع رفتارها و کارکرد جهاد در این گروه‌ها نیز دچار کژی‌ها و انحرافات گسترده‌ای است. برای مثال، جریان داعش استراتژی «توازن وحشت» و جنایت‌های گسترده را در عرصه به اصطلاح «جهاد» خود دنبال می‌کند. داعش در عراق و سوریه با انجام جنایت‌های گسترده و قساوت قلب و با پراکندن بذر ترس و هراس تلاش می‌کند پیشروی‌های متجاوزانه ارضی خود را آسان کند بنابراین جریان‌های تکفیری-جهادی از مسئله جهاد در راستای اهداف و مقاصد سیاسی خود بهره می‌گیرند، در مورد استراتژی‌های عملیاتی نیز همین امر مشاهده می‌شود.

ویژگی دیگر جهادگرایی در گروه‌های تروریستی، عوامانه کردن این حکم و استفاده ابزاری از آن است. برخلاف فقه اهل سنت، که شرایط سختی برای جهاد قائل است و تنها مستلزم اذن از

۲. این نوع ایدئولوژی بر جهاد ابتدایی (تهاجمی) با رویکرد شبکه جهانی تأکید دارد.

سوی علما، آن هم پس از مشاوره با دیگران است؛ این جریان، مفهوم مقدس جهاد را به ابزاری کارآمد برای مبارزه علیه دشمنان خود در درگیری با دولت‌ها و ملت‌ها تبدیل کرده است. رهبران این جریان، که دارای صلاحیت و درجه علمی علمای سنتی نیستند، برای خود صلاحیت صدور حکم جهاد قائل شده و جهاد را یک «واجب مغفول» معرفی کرده‌اند. این درحالی است که شیعه و سنی علی‌رغم اختلافاتی که در این زمینه دارند، بر این امر متفق‌اند که جهاد در اسلام، تابع قواعد و احکامی است. همچنان‌که در اجرای استراتژی جهاد، قرآن نخست این حق را با دعوت استیفا می‌کند. در مرحله دوم، در دفاع از مسلمانان و اسلام و در مرحله سوم به جنگ و قتال می‌پردازد. (Tabatabaei, 2007: 66) خداوند متعال در این خصوص فرموده است: «فان اعتزلوكم فلم یقاتلوکم والقوا الیکم السلم فما جعل الله لکم علیهم سیلاً»؛ اگر از شما کناره‌گیری کردند و با شما نجنگیدند و با شما طرح صلح افکندند، خدا برای شما راهی (برای تجاوز) بر آنان قرار نداده است. (Nasa/90)

تفکیک بین نظامیان و غیرنظامیان، حفظ محیط‌زیست، منع رنج و درد زائد و ده‌ها حکم دیگر از اصولی است که در سنت اسلامی بر آن‌ها تأکید بسیاری شده است. مطالعه و دقت در آداب جنگ در اسلام، این حقیقت را آشکار می‌کند که آنچه امروزه در نظام حقوق بین‌المللی مورد تأکید قرار گرفته، ۱۴ قرن پیش‌تر در متن تعالیم اسلام وجود داشته است بنابراین فرهنگ اسلام نخستین مبدأ تدوین قواعد انسان‌دوستانه بین‌المللی بوده است (Researcher Damad, 2007: 152) بنابراین واضح است که جنایات داعش همچون مثله کردن، شکنجه کردن اسیران، تهیه فیلم از صحنه جنایت، نابودی محیط‌زیست، استراتژی زمین سوخته و... ابداً با هیچ‌یک از اصول و آموزه‌های اسلامی سازگار نیست، از همین منظر، علمای اهل سنت انتقادات بسیار زیادی از آنها کرده‌اند.

یکی دیگر از مصادیق کج‌فهمی این جریان، تفسیر آنها از ایمان و کفر است. آنها با «نقل‌گرایی افراطی» و با تمسک به ظواهر چند آیه، بدون در نظر گرفتن آیات مفسر آن و گاه با تفسیر گزینشی از آیات قرآن، دیگران را به شرک و بدعت متهم می‌کنند: Sebahani, 2001: 78) بنابراین یکی از دلایل گرایش داعش به خشونت را می‌توان «اتباع النص» صرف به معنای تبعیت مستقیم از نص دانست بنابراین نقل‌گرایی بی‌ضابطه و بدون بررسی و در نظر گرفتن سایر ادله (قرائن عقلی و نقلی) در کنار ظاهرگرایی شدید جریان‌های تکفیری در فهم کتاب و سنت، این جریان‌ها را بر آن داشته که به معانی ظاهری، یک‌سویه و سطحی بسنده کنند و مخالفان

خود را به بهانه‌های واهی متهم به بدعت‌گذاری، شرک و کفر کنند.

به عقیده متکلمان اسلامی، حکم به کفر مسلمان، کاری خطرناک و بی‌مبالاتی محض است و به هر دلیل واهی، نمی‌توان به خروج مسلمان از دایره اسلام حکم کرد. (Qarani, 1413: 210) همچنین در فقه اهل سنت نسبت به تکفیر حاکم اسلامی منع وجود دارد. آنها معتقدند حاکم اسلامی یا باید نصیحت یا دعا شود و نمی‌توان او را تکفیر کرد. (Sushtri, 1987: 34) در نظام فکری اهل سنت، تکفیر حاکم هم معصیت است و هم مجازات دارد.

اصل دیگر در خصوص تکفیر، این است که هیچ‌گاه فرد اقدام به مجازات افراد نمی‌کند و این حاکم است که این کار را انجام می‌دهد. (Mireshkaran, 2013: 56) شما حتی نمی‌توانید در صورت مشاهده عملی، که مستحق حد است، حد آن را جاری کنید. در تفکر اسلامی اجرای حد تکفیر به فرد واگذار نشده است، چون در غیر این صورت جامعه به هم می‌ریزد.

از سوی دیگر، فقهای سنتی در خصوص اعلام تکفیر قائل به احتیاط هستند و به راحتی این حکم را صادر نمی‌کنند و صبر و توجیهات زیادی را مطرح می‌کنند تا موضوع مورد تکفیر مرتفع شود. گروه داعش هیچ احتیاطی را در این خصوص نمی‌کند و سریعاً مخالفان خود را تکفیر می‌کند، از این رو، امروزه یک دستگاه جدید در عرض فقه شیعه و اهل سنت به وجود آمده که می‌توان نام آن را «فقه التکفیر» خواند. (Farati, 2013: 67) در مقابل، بعضی رهبران جنبش‌های اسلامی نگاه لیبرالیزه کردن به اسلام دارند. گولن به صراحت از تناسب تمدن غرب برای پیشرفت حیات مادی و مناسبت تمدن اسلامی برای حیات معنوی سخن می‌گوید و غرب‌ستیزی را عامل جاماندن ما از تمدن می‌خواند و هدف اصلی جنبش گولن در نهایت اسلامیزه کردن ترکیه و تمام کشورهای است که در آنها فعالیت دارد و در این مسیر تکرگرایی تظاهری است برای فریب جریان حاکم. (Madrasi, 2014: 236)

۳-۲-۲. زمینه‌های منطقه‌ای و بین‌المللی

جریان تکفیری در بستر اندیشه و شرایط محیطی خاص رشد کرده است. هرچند مهم‌ترین زمینه اندیشه تکفیر، تفسیر متصلب و ظاهرگرایانه از نص است، اما تبدیل این اندیشه به کنش خشونت‌آمیز، حاصل زمینه‌های عینی است که شرایط را برای بروز و ظهور این اندیشه فراهم کرده است. تحلیل صرفاً اندیشه‌ای از این جریان تنها بخشی از واقعیت جریان تکفیری

را تبیین می‌کند، درحالی‌که تحلیل عینی، شرایط محیطی، منطقه‌ای و بین‌المللی رشد این جریان و تبدیل آن به کنش‌های خشونت‌آمیز در تبیین دلایل رشد و گسترش این جریان نقش مهمی دارد (Sheikh Hosseini, Vakhilili. 2013: 506) در بررسی سیر تکوین و توسعه اندیشه سیاسی سلفی-تکفیری، یکی از تحولات مهم که نقطه جهش و بازآفرینی این تفکر در جهان اسلام محسوب می‌شود، الغای خلافت عثمانی در سال ۱۹۲۴ به حکم مجلس کبیر ملی ترکیه است. از پیامدهای مهم الغای خلافت، سرخوردگی و شکل‌گیری آرمان خلافت و بازگشت به سلف صالح و خلافت راشده در جهان اهل سنت است^۳ که از آغاز تاکنون چهار مرحله را طی کرده است:

مرحله اول، سقوط خلافت و ظهور آرمان خلافت: سقوط خلافت عثمانی، ظهور آرمان احیای خلافت اسلامی و بازگشت به سلف صالح را در پی داشت که متفکرانی چون رشید رضا و نیز جمعیت اخوان المسلمین در بازخیزی و بسط این اندیشه نقش موثری داشتند، به‌طوری‌که رشید رضا با هدف احیای خلافت راشده، حتی طرح عملیاتی احیای خلافت پیشنهادی را ارائه کرد که در آن خلیفه، مرکز خلافت (شهر موصل) و شیوه تعیین خلافت (اهل حل و عقد و مجلس الشوری) و شرایط خلیفه (اجتهاد و قرشی) مشخص شده بود.

مرحله دوم، معالم فی الطريق؛ نشانه‌گذار راه جهادی تکفیری: سید قطب نقطه عطف در اندیشه سلفی تکفیری به‌ویژه تکفیر سیاسی به حساب می‌آید. از ویژگی‌های این مرحله، ورود مفهوم «تکفیر» به حوزه عقاید سیاسی-مذهبی جریان سلفی است که برخلاف تکفیر وهابیت، که عقاید فردی مثل توسل و زیارت را شامل می‌شد، همه شئون زندگی اجتماعی و سیاسی را نیز شامل می‌شد.

مرحله سوم، افغانستان، بستر تکوین تنظیم القاعده و شبکه عنکبوتی تکفیری: تهاجم شوروی به کشور مسلمان افغانستان در سال ۱۹۷۹ از سویی و سرکوب شدید جریان سلفی تکفیری در مصر و دیگر کشورهای عربی از سوی دیگر، سبب شد به تدریج مجاهدان عرب برای جهاد با کفار به سوی افغانستان گسیل شوند. در سال‌های جهاد افغانستان با ورود اسلام‌گرایان رادیکال عرب به این کشور، به تدریج بذره‌های یک سازمان جهانی اسلامی به نام «القاعده» پاشیده

۳. پس از الغای خلافت عثمانی این مسئله مطرح شده که آیا این فروپاشی آغاز انحطاط جامعه اسلامی است یا سرآغاز شکوفایی، رشید رضا معتقد بود که باید به خلافت بازگشت و عظمت مسلمانان را احیا کرد. مکان پیشنهادی وی برای احیای خلافت جایی مابین آناتولی و جهان عرب بود که هم ترک‌ها حفظ شوند و هم از نیروی اعراب استفاده شود. ابوبکر بغدادی با تأثیر از رشید رضا نظریه خلافت را در شهر موصل مطرح کرده است.

شد. اسامه بن لادن در همین زمان با حمایت سازمان اطلاعات آمریکا از عربستان به افغانستان آمد و با شوروی مقابله کرد. (Abdullah Khani, 2001: 76) استراتژی القاعده ایجاد شبکه گسترده در جهان و جهاد برای تاسیس امارت‌ها بود که تاسیس امارت طالبان در افغانستان در سال ۱۹۹۵ تاحدی نخستین تبلور بیرونی این اندیشه بود.

مرحله چهارم، خلافت داعش: متعاقب حمله آمریکا به عراق (۲۰۰۳) به بهانه مبارزه با تروریسم، فضا و بستر مناسبی برای شکل‌گیری و فعالیت بسیاری از گروه‌های مسلح همچون تکفیری- جهادی القاعده و گروه‌های بعثی و سنی‌مذهب، که مخالف شرایط جدید بودند، فراهم شد.^۴ در این شرایط گروهی به نام التوحید و الجهاد (جماعت توحید و جهاد) به رهبری ابومصعب زرقاوی در سال ۲۰۰۴ کار خود را آغاز کرد که در ابتدا اغلب نیروهای تروریستی‌اش عرب‌زبان بودند سپس این گروه گسترش یافت و تبدیل به «قاعده الجهاد فی بلاد الرافدین» شد تا در این زمان در بردارنده نیروهای تروریستی عربی و عراقی و غیره یا به عبارت دیگر شامل مهاجرین و انصار شود و بیعت خود را با رهبر القاعده اعلام کرد سپس این سازمان در اواخر سال ۲۰۰۵ و ابتدای سال ۲۰۰۶ از تشکیل مجلس شورای مجاهدین به امارت شیخ عبدالله رشید بغدادی خبر داد و تعدادی از گردان‌ها و دسته‌های تروریستی را ضمیمه خود کرد. در سال ۲۰۰۶، آمریکایی‌ها شهر بعقوبه را بمباران و ابومصعب زرقاوی را کشتند. در اکتبر همین سال، مجلس شورای مجاهدین منحل شد و ائتلاف «المطیین» با همکاری برخی از عشایر به وجود آمد و در این راستا «ابوحمره مهاجر» به عنوان امیر سازمان القاعده در عراق تعیین شد و متعاقب آن، دولت عراق اسلامی به رهبری «ابوعمر بغدادی» تشکیل شد و اعلام موجودیت کرد. وی با انتشار بیانیه‌ای در سال ۲۰۰۷، عقاید دولت اسلامی را در ۱۹ بند ذکر کرده است که به خوبی ماهیت این دولت خود خوانده را روشن می‌کند.

در ۱۹ آوریل ۲۰۱۰، بعد از اینکه آمریکایی‌ها ابوعمر بغدادی و ابوحمره مهاجر را کشتند، هیئت شرعی دولت اسلامی عراق، ابوبکر البغدادی را به عنوان رئیس دولت اسلامی معرفی کرد. (Ebrahim Nejad, Farmanian: 2013: 37) این سازمان علاوه بر گروه القاعده حدود ۱۳ گروه و گردان دیگر را زیر لوای خویش جمع کرده است که با قتل بغدادی، فاقد امیر و انسجام شدند؛ به خصوص که با پیروزی محور مقاومت پراکنده شدند، ولی عده‌ای از آنها به افغانستان

۴. بررسی پایگاه‌های اینترنتی در سال ۲۰۰۳ نشان می‌دهد که با حمله آمریکا به عراق، حدود یک‌صد گروه جهادی سنی در عراق تاسیس شدند که ۵۹ گروه آن، عضو القاعده و ۳۶ گروه عضو انصار السنه بودند. (Ebrahim Nejad, Farmanian: 2013: 37)

برگشتند و در حال حاضر آنجا فعالیت می‌کنند، ولی تفکرات سلفی تکفیری هنوز در میان همه آنها وجود دارد.

۳-۲-۳. نقش قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای

یکی از عوامل رشد و گسترش جریان‌های تکفیری، نقش قدرت‌های بین‌المللی و منطقه‌ای بوده است. هرچند زمینه‌های ذهنی و عینی جوامع اسلامی، مستعد رشد چنین جریانی بوده است، اما منافعی که این جریان‌های تکفیری برای قدرت‌های بزرگ ایجاد کرده‌اند، این گروه‌ها را به‌عنوان یک ابزار در سیاست خارجی قدرت‌های بین‌المللی تبدیل کرده است. مهم‌ترین هدف قدرت‌های بزرگ در رابطه با جریان‌های تکفیری استفاده از ظرفیت آنها برای نفوذ در جهان اسلام و رسیدن به منافع ملی و فراملی خودشان بوده است. درواقع جریان‌های تکفیری تازمانی که در راستای سیاست‌های قدرت‌های بزرگ عمل کرده‌اند مورد حمایت مستقیم و غیرمستقیم این قدرت‌ها بوده‌اند، اما در صورتی که این گروه‌ها منافع قدرت‌های بزرگ را تهدید کرده‌اند؛ به‌شدت سرکوب شده‌اند بنابراین رشد قارچ‌گونه این‌گونه جریان‌ها در مقاطع مختلف زمانی نشان‌دهنده تاثیرگذاری یک متغیر جدید (نقش قدرت‌های بزرگ) در گسترش این جریان‌ها بوده است. براین اساس، زمینه‌های مختلفی موجب شعله‌ور شدن آتش فتنه‌های مذهبی در جهان اسلام شده است که فقط نگاه سطحی به این مسئله نقش استکبار جهانی را نادیده می‌گیرد. درحالی‌که تجربه استعمارگرانی مانند فرانسه، پرتغال، ایتالیا و دیگر کشورهای استعمارگر نشان‌دهنده استفاده از فتنه مذهبی در داخل ملت‌ها برای رسیدن به اهداف استعمار است. جنگ‌های مذهبی به‌دلیل اینکه زود شعله‌ور می‌شوند در سیاست استکبار جهانی نقش زیادی دارند. این تجربه استعمارگران قرون گذشته در اختیار آمریکا قرار گرفته است. (Asfi, 2010: 22) بنابراین با توجه به تاثیرگذاری این متغیر (نقش قدرت‌های بزرگ) در رشد و گسترش جریان‌های تکفیری نقش آن در سه دوره زمانی را بررسی می‌کنیم.

۳-۳. بریتانیا و جریان تکفیری

آل سعود قبیله‌ای در منطقه نجد بود که با داشتن رقبای زیاد و نداشتن پایگاه اجتماعی، برای گسترش قلمرو با چالش‌های جدیدی روبه‌رو بود و با توجه به دور بودن سرزمین نجد در آن زمان از حیطه بازی قدرت‌های بزرگ، بهترین راه برای یک قبیله، که آرزوی رهبری سیاسی بر مناطق اطراف داشت، به خدمت گرفتن یک ایدئولوژی با قدرت بسیج‌کنندگی بالای توده‌های

اجتماعی بود. محمد بن عبدالوهاب نیز که ارائه‌دهنده تفسیر جدیدی از دین و به تبع آن استنباط‌های جدید از مسئله توحید و شفاعت و... بود نیاز به یک پشتیبان سیاسی داشت تا تحت حمایت آن بتواند نفوذ عقیدتی خود را گسترش دهد. این نیاز دوجانبه، وهابیت را به آل سعود نزدیک کرد و با پیوند قدرت و مذهب باعث گسترش قلمرو هر دو نهاد شد.

محمد بن عبدالوهاب آرا و افکار ابن تیمیه را در شرایطی در دهه‌های نخست قرن ۱۳ ق. ترویج کرد که امت اسلامی از چهار سو مورد حمله استعمارگران صلیبی قرار داشت. در چنین شرایطی که جهان اسلام نیاز به وحدت و همدلی داشت محمد بن عبدالوهاب مسلمانان را به جرم «شفاعت‌خواهی از پاکان و زیارت قبور اولیای الهی (مشرک و بت‌پرست)» خواند و با برانگیختن اعراب بادیه‌نشین مناطق سنی و شیعه‌نشین را به خاک و خون کشید و اموال مسلمین را به عنوان غنیمت به غارت برد. مثلث قدرت در شرایط آن روز شبه جزیره به این صورت بود که «شریف حسین» بر مکه و مدینه حکومت داشت و مورد حمایت عثمانی بود و بی طرفی او در بین مسلمانان پذیرفته شده تلقی می‌شد. «آل رشید» یکی از قدرت‌های دیگر شبه جزیره بود که مستقیماً تحت نفوذ عثمانی‌ها قرار داشت و جریان وهابیت نیز در نجد مورد حمایت بریتانیا بود.

در مجموع، رابطه بریتانیا و وهابیت را می‌توان تابعی از نظام بین‌المللی در آن دوره دانست که مهم‌ترین قدرت نظام بین‌الملل یعنی بریتانیا از این جریان افراط‌گرا در راستای سیاست‌های خود بهره گرفت و هر زمان هم که منافعش به خطر می‌افتاد به شدت با آن برخورد می‌کرد.

۳-۴. آمریکا و القاعده

بعد از جنگ جهانی دوم، به دلیل تغییر بازیگران، آمریکا و شوروی به عنوان مهم‌ترین بازیگران نظام بین‌الملل ظهور کردند. آمریکا که مهم‌ترین تعارضش در این دوره با منافع شوروی بود از جریان‌های تکفیری و افراطی همچون القاعده در راستای رسیدن به منافعش بهره می‌برد. از سال ۱۹۸۶ تا ۱۹۸۹ مبارزان عرب در بسیاری از درگیری‌ها در کنار مبارزان افغان با روس‌ها جنگیدند و نه تنها با سخت‌گیری پاکستان، عربستان و آمریکا مواجه نشدند، بلکه به ادامه هم تشویق شدند. آمریکا در همین رابطه کمک‌های مالی - تسلیحاتی قابل ملاحظه‌ای در اختیار مبارزان افغان حتی عرب‌های افغان قرار داد. (Al-Hashemi, 2015: 74) شکست شوروی در افغانستان و فروپاشی بلوک شرق، زمینه قدرت بیشتر ایالات متحده را فراهم کرد و فعالیت گروه‌های

تکفیری دیگر به نفع آمریکا نبود. حادثه ۱۱ سپتامبر بهانه‌ای شد برای اشغال نظامی افغانستان و عراق و هجمه به جهان اسلام.

۳-۵. داعش و منازعه قدرت‌های بین‌المللی

تجربه نشان داده است آمریکا و برخی کشورهای منطقه به تناسب منابع و توان مالی و نظامی، ظرفیت بهره‌برداری از جریان‌های تکفیری را داشته‌اند. آمریکایی‌ها به خوبی می‌دانستند که در صورت قدرت یافتن گروه‌های تکفیری، منافع آنها به مخاطره می‌افتد، زیرا این گروه‌ها منشأ ناامنی خواهند شد و این ناامنی در منطقه‌ای که مهم‌ترین مسیر انتقال انرژی جهان است، به ضرر آنها خواهد بود، اما از سوی دیگر، گسترش گروه‌های تکفیری - تروریستی در سوریه و کشورهای اسلامی را فرصت خوبی برای اسلام‌هراسی و همچنین تامین امنیت اسرائیل می‌دانند بنابراین نوعی تناقض در رفتار و سیاست‌های آمریکا در خصوص گروه‌های تکفیری مشاهده می‌شد. راند پاول یکی از دلایل تقویت داعش را ارسال سلاح‌های آمریکایی برای متحدان این گروه در سوریه عنوان می‌کند. <http://www.farsnews.com/newstext...php?nn=13930401001362> ادوارد اسنودن پیمانکار سابق آژانس امنیت ملی آمریکا، علیه دستگاه‌های اطلاعاتی این کشور می‌گوید: «سازمان‌های اطلاعاتی آمریکا، انگلیس و رژیم صهیونیستی در شکل‌گیری داعش نقش داشتند.» (<http://www.rajaneews.com/news/251202>) پایگاه دولتی فرصت‌های تجارت فدرال آمریکا (FBO) نیز اسنادی درباره نوع و حجم سلاح‌ها و مهماتی که آمریکا در اختیار گروه‌های تروریستی در سوریه قرار داده، منتشر کرده است. (<http://fardanews.rasanetv.ir/page-822571.html>) مایکل تی. فلین رئیس سابق آژانس اطلاعات دفاعی پنتاگون نیز در گفت‌وگوی تلویزیونی با شبکه «الجزیره» اعلام کرد که رشد داعش نتیجه مستقیم حمایت ایالات متحده از شورشیان سوری بود که هسته مرکزی جنگجویان آن را القاعده عراق تشکیل می‌داد. (<http://com.aljazeera.com/programmes/headtohead/2015/07/blame-isil-150728080342288.html>) دونالد ترامپ رئیس‌جمهور منتخب آمریکا و مایک پنس معاون او نیز با صدور بیانیه‌ای اعلام کرده بودند سیاست‌های اوباما و کلینتون منجر به ایجاد داعش شد. (<http://www.politifact.com/truth-o-meter/statements/2016/jun/15/donald-dacsh-and-iraq>) بنابراین گروه تروریستی و تکفیری داعش و گروه‌های تکفیری همفکر داعش در عراق، سوریه و لبنان و بسیاری از کشورهای اسلامی در غرب آسیا، برابند سیاست دولت آمریکا پس از واقعه ۱۱ سپتامبر هستند.

۳-۶. زمینه‌های جغرافیایی و سیاسی

تجربه نشان داده است شرایط و ویژگی‌های محیطی، که سرزمین در اختیار انسان قرار می‌دهد، عامل اصلی شکل‌گیری رقابت در صحنه جغرافیایی جهان است. تاریخ بشر حاکی از آن است که همیشه جریان حرکت نیروها به سمت مناطق دارای مزیت‌های نسبی بوده و درگیری منطقه‌ای و جهانی نیز برای دستیابی به این فرصت‌ها بوده است.

در تحلیل‌های ژئوپلیتیکی، گاه یک منطقه از جهان به دلایل متعددی از دیگر مناطق متمایز می‌شود. در این بین، ویژگی‌ها و مزیت‌های جغرافیایی منطقه جنوب غربی آسیا همیشه عامل اصلی بحران و درگیری میان ساکنان و قدرت‌های بیرونی بوده است که مجموعه این رقابت‌ها، سبب شکل‌گیری جغرافیای سیاسی خاص این منطقه شده است. گهواره تمدن، زادگاه سه دین توحیدی بزرگ، تقاطع حرکت و تجارت، پایگاه امپراتوری‌های گسترده و قرار داشتن بیش از ۶۰ درصد از منابع نفتی و فسیلی دنیا، از جمله ویژگی‌های این منطقه است. از ویژگی‌های دیگر منطقه، که زمینه‌ساز شکل‌گیری جریان‌های خشونت‌پیشه شده است می‌توان به فقر و نارضایتی و همچنین وجود حکومت‌های مستبد و مطلقه اشاره کرد. (Ashu-ri, 2008: 89) شکل‌گیری واحدهای سیاسی بدون پشتوانه جغرافیایی - تاریخی و بی‌توجهی به ساختار اجتماعی نیز بحران مقبولیت و نارضایتی از ساختار سیاسی را به دنبال داشته است. این عامل سبب شکل‌گیری گروه‌های مخالف و ساختارشکن شده و در مقاطع مختلف ابزار دست بازیگران فرامنطقه‌ای شده‌اند که از جمله جریان‌های فراگیر و خطرناک، که بخشی از این منطقه را به خود مشغول داشته است، گسترش و پیشروی جریان تکفیری است که با اندیشه شکل‌گیری یک واحد سیاسی، موجودیت خود را با عنوان «دولت اسلامی عراق و شام» اعلام کرده و مبنای فکری خود را بر تکفیر دیگر شاخه‌های دین اسلام بنا نهاده است. (Rigi, 2016: 56)

۳-۷. زمینه‌های جامعه‌شناختی

بررسی ساختار اجتماعی کشورهایی که زمینه رشد و فعالیت گروه‌های تکفیری در آنها فراهم شده؛ نشانگر نوعی تشدت و ازهم‌گسیختگی درونی آن کشورهاست. در این میان، کشور عراق از منظر ساختار اجتماعی و به لحاظ تاریخی دارای جامعه‌ای چندپاره و همچنین ضعیف هویت ملی مشترک است، زیرا این کشور به نوعی کشوری ساختگی است که از دل عثمانی

شکست خورده در جنگ جهانی دوم پدید آمده و پروژه ملت‌سازی در آن کامیاب نبوده است. ساختگی بودن عراق منجر به شکل‌گیری بافت بسیار نامتجانس به لحاظ ترکیب قومی-مذهبی و قبیله‌ای- طایفه‌ای در این کشور شده است که به لحاظ تاریخ مشترکی از زندگی مسالمت‌آمیز با یکدیگر، احساس هم‌بختی و هم‌سرنوشتی نمی‌کنند. به بیان دیگر، تاکنون نتوانسته‌اند شور ملیت را در مردم جانشین شور هویت قومی و قبیله‌ای کنند (Sheikh Hos- seini, 2014: 74) و این همواره موجب تاثیرگذاری کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در امور داخلی این کشور به واسطه ارتباط با گروه‌های داخلی شده است بنابراین با توجه به اینکه جوامع ناهمگون در مقایسه با سایر جوامع بیشتر در معرض خطر تجزیه و عدم اجماع قرار دارند، بزرگ‌ترین چالش در حوزه داخلی عراق، عدم تجانس ساختار فرهنگی در سه طیف اعراب سنی، شیعیان و کردها و دخالت قدرت‌های خارجی است. مجموعه این عوامل داخلی و خارجی و همچنین شکل نگرفتن دولت قوی و ضعف ارتش؛ زمینه و بستر شکل‌گیری، رشد و فعالیت تروریسم و گروه‌های تکفیری را در این کشور فراهم کرده است و از طرفی، بحران سوریه و شرایط نبود دولت- ملت‌سازی در افغانستان و دیگر کشورهای آفریقایی مثل لیبی نیز نقش مهمی در افزایش قدرت این گروه‌ها داشته است.

۴. نتیجه‌گیری

یکی از مهم‌ترین مسائل جهان اسلام در دوره معاصر، ظهور جریان‌های تکفیری است که قطعاً جهل به مبانی اسلام، تندروی و افراطی‌گری، اهداف و اغراض سیاسی و همچنین حمایت استعمار و استکبار از زمینه‌های شکل‌گیری مصیبت تکفیر در جهان اسلام بوده است. برای برون‌رفت از این معضل ابتدا باید ریشه‌ها، عوامل و بسترهایی را که این جریان‌ها در آن شکل گرفته و رشد کرده‌اند، شناسایی کرد و سپس با ارائه راهکارهای عالمانه و دقیق با آنها مواجهه کرد. این جریان دارای ویژگی‌های زیر است:

۱. تکفیر مسلمانان به دلیل جهالت و نداشتن نگاه نو و فهم نو از معارف اسلامی
۲. حمایت سرویس‌های امنیتی و اطلاعاتی آمریکا و رژیم صهیونیستی از جریان تکفیری
۳. فریب خورده بودن گروه‌های تکفیری
۴. شرک ندانستن اطاعت از طواغیت زنده و شرک دانستن احترام به قبر بزرگان.

۵. پیشنهادها

پیشنهاد می‌شود برای مقابله با این پدیده شوم و غده سرطانی در جهان اسلام اقدامات زیر صورت گیرد:

- تأسیس شبکه ماهواره‌ای، راهبرد بنیادین در مقابله با جریان‌های تکفیری نباید فراموش کرد که مقابله با تکفیر نیازمند کار فکری و رسانه‌ای است بنابراین برای دفع کامل جریان‌های تکفیری لازم است رسانه‌های گروهی جهان اسلام نقش فعال‌تری در این زمینه ایفا و برای تضعیف گروه‌های تکفیری حرکت منسجمی را آغاز کنند.
- نشر کتب علمی: بدین ترتیب یکی از راهبردهای مهم در تحقق مقابله علمی با جریان‌های تکفیری می‌تواند در انتقال آثار و محصولات علمی و فرهنگی کنگره بین‌المللی مقابله با جریان‌های افراطی و تکفیری، که به زبان‌های مختلف نیز منتشر شده است، متمرکز شود.
- تشکیل نهضت علمی از سوی علمای مذاهب اسلامی برای ریشه‌کن کردن جریان تکفیری
- تنظیم منشور وحدت اسلامی توسط علما و روشنفکران اسلامی
- روشنگری نسبت به نقش سیاست‌های استکباری آمریکا و انگلیس
- ارشاد گروه‌های تکفیری
- اهتمام به قضیه فلسطین و مسئله مسجدالاقصی
- حفظ اتحاد و دوری از بدبینی بین شیعه و سنی
- بدبین بودن به اسلام مطلوب و اشنگتن، لندن و پاریس.

References

- Ahmad bin Abdul Halim (1403). Sarem al-Maslool Ali Shatam al-Rasoul, Beirut: Alam al-Katb.
- Al-Bakri, Abdul Rahman (2015). ISIS and the future of the world, Dar al-Gharba, Germany
- Alizadeh Mousavi, Seyyed Mehdi (2013). Genealogy of Salafism and Wahhabism, (Sixth edition), Qom: Avai Manji. **[In persian]**
- Al-Hashemi, Hisham, (2015) M, Daesh scholar, London, Dar al-Hikma.
- Asefi, Mohammad Mahdi (2010). Al-Umah al-Wahid and the position of Man al-Fatna al-Tafiiyah. Najaf: Majam Al-Alami Lahl al-Bayt (A.S.).
- Ismail, Mahmood, (2012), Salafis, translated by Hasan Khakarand and Hojatullah Rudaki, Cultural Institute, Tehran: Al-Hadi International Publishing and Art.
- Ashuri, Dariush (2008). National identity and nation building project, Tehran: Ad. **[In persian]**
- Baghdadi, Abu Mansour; Abd al-Qahir bin; Tahir bin, Muhammad (1977 AD). The difference between Al-Farq and the statement of al-Farq al-Najiyah. Second: Dar al-Afaq al-Jadidah, Beirut.
- Bakhshi Sheikh Ahmad, Mahdi (2015). Jihad: From Ibn Taymiyyah to Bin Laden, Political Science, Vol. 34. **[In persian]**
- Dekamjian, Harair (2003). Contemporary Islamic Movements in the Arab World, Tehran: Kayhan. **[In persian]**
- Ebrahim Nejad, Mohammad; Farmanian, Mahdi (2013). Daesh Islamic State of Iraq and the Levant, Analysis and Research of History and Thoughts, Qom: Dar al-Alam for Ahl al-Bayt School. **[In persian]**
- Ebrahimi, Shahrouz; Sotoudeh, AliAsghar (2013). Pathology of the growth of

takfiri currents in “Collection of Articles of the World Congress of Extremist Currents and Takfiri from the Perspective of Islam”, Qom: Dar Al-Alam, Vol 5. **[In persian]**

Enayat, Hamid (1984). Political thought in contemporary Islam, translator: Bahauddin Khormshahi, Tehran: Kharazmi. **[In persian]**

Faqihi, AliAsghar (1973). Wahhabian, Tehran: Saba . **[In persian]**

Faraj, Abdul Salam (1981). Al-Jihad Al-Farizah Al-Ghaiba, Al-Mansouriyeh.

Farati, Abdul Wahab (2013). Scientific meeting with the title: Jurisprudential examination of takfiri currents. Tehran: Research Institute of Human Sciences. **[In persian]**

Farmanian, Mahdi (2013). Flow of contemporary Salafism. Qom: Jurisprudential Center of Imams of Athar (AS). **[In persian]**

Fatemi-Nejad, Majid (2013). the impact of Ibn Taymiyyah's thoughts on the spread of the crimes of Takfiri movements, collection of articles of the first world congress on the dangers of Takfiri movements, vol. 6. **[In persian]**

Fathi, Ali (2013). Methodology of takfiri currents in understanding the book and sunnah in (Collection of Articles of the World Congress of Extremist and Takfiri currents from the perspective of Islam), Qom: Dar Al-Alam, Vol. 7. **[In persian]**

Firouzabadi, Hassan (2013). Let's know the takfiris of ISIS better. Tehran: National Defense University. **[In persian]**

Ghaffari, Abulfazl (2013). Principles of Salafism Methodology in (Collection of Articles of the World Congress of Extremist and Takfiri Movements from the Islamic Perspective), Qom: Dar Al-Alam, Vol. 2. **[In persian]**

Ibn Atham, Kufi (1991). Kitab al-Futuh. Beirut. Ali Shiri Publishing.

Ibn Badran- Damaschi, “Abd al-Qadir ibn Ahmad,(1981) “Al-Mudkhal al-Madhab al-Imam Ahmad ibn Hanbal” Research by Abdullah ibn Abd al-Mohsen

- Turki, Beirut, Al-Rasalah Institute,
- Ibn Faris, Ahmad (1404). Ma'jam Maqais al-Gha, Qom» School of Islamic Information, Al-Nashar Center.
- Ibn Manzoor, Muhammad Ibn Makram (1419). Lasan al-Arab, Cairo: Dar al-Maarif.
- Ibn Tamimah, Ahmad bin Abdul Halim (1403). Sarem al-Maslool Ali Shatam al-Rasoul. Beirut: Alam al-Katb.
- Ismail, Mahmoud (1391). Salafis, translated by Hasan Khakarand and Hojatullah Rudaki, Cultural Institute, Tehran: Al-Hadi International Publishing and Art.
- Madelong, Wilfred Ferdinand (1999). Islamic schools and sects in the middle centuries, translator: Javad Ghasemi, Mashhad, Astan Quds Razavi Islamic Research Foundation. **[In persian]**
- Madrasi, Seyyed Mohammad Reza (2014). Atlas of Leaders: A picture of the scene of competition between religious preachers in the Sunni world, Qom: Ma'arif. **[In persian]**
- Mana, Haitham (2015). Caliph of ISIS, Copenhagen, Al Arabiya Al Arabiya Publishing House.
- Mirahmadi, Mansour (2015). Political Jurisprudence, Tehran: Smit. **[In persian]**
- Miri, Sidjavad (2019). Wahhabism and Islamic violence from a sociological perspective: A look at the future of relations between Iran and Saudi Arabia, Qom: Naqdfarhang. **[In persian]**
- Mirshkaran, Yahya (2013). Geographical-political analysis of the causes of the formation and expansion of Islamic fundamentalism. In "Collection of Articles of the World Congress of Extremist Movements and Takfiri from the Perspective of Islam", Qom: Dar Al-Alam, Vol. 6. **[In persian]**
- Mohsen Al-Amin, Seyyed Mohsen. (1387). Wahhabis, translated by Seyyed

Ebrahim Seyyed Alavi, Tehran: Amir Kabir Publications

Nabatian, Ismail (2013). The model of government in the thought of the Salafi Takfiri movement in (Collection of Articles of the World Congress of Extremist and Takfiri Movements from the Islamic Perspective), Qom: Dar Al-Alam, Vol. 2. **[In persian]**

Paktachi, Ahmad; Hoshangi, Hossein (2013). Fundamentalism and Salafism, tehran: Imam Sadiq University Publications (AS) . **[in persian]**

Qarani, Abdullah Ibn Muhammad. (1991). "The rules of Takfir among Ahl al-Sunnah and Al-Jama'ah" First edition. Beirut: Al-Rasalah.

Rabbani Golpaygani, Ali (2004) Theological Differences and Religions, Qom: World Center for Islamic Sciences. **[In persian]**

Rashid, Ahmad (2007). Fighting Islam in Central Asia, translated by Jamal Aram, Tehran: Irfan. **[In persian]**

Rigi, Omid (2016). ISIS and its role on the political geography of the Middle East, Tehran: Shapark Sork. **[In persian]**

Rizvani, Ali Asghar (2010). Vahabian Takfiri, Tehran: Mashaar Publishing House. **[In persian]**

Seyyed Nejad, Seyyed Baqer (2009). Salafism in Iraq and its effect on the Islamic Republic of Iran. Strategic Studies Quarterly. Year 13. NO.1, Spring, Series 47. **[In persian]**

Seyyed Qutb, Seyyed Brahim (2022). in the shadows of the Qur'an, Beirut: Dar al-Shorouq

Sheikh Hosseini, Mukhtar (2013). Three-pronged growth and expansion of ISIS in Iraq, Strategic report, No. 8. **[In persian]**

Sheikh Hosseini, Mukhtar; Khalili, Mohammad Javad (2013). The role of international powers in the growth and expansion of takfiri trends in (Collection of articles of the World Congress of Extremist and Takfiri trends from the

- perspective of Islam), Qom: Dar al-Alam, Vol. 2 . **[In persian]**
- Shimel, Anne Marie (2017). Islam from Anne Marie Shimel's point of view, translated by Abdur Rahim Toshet, Tehran: Alam. **[In persian]**
- Shoushtari, Nurullah (1987). Al-Sawaram al-Muharraqa in the criticism of al-Sawaraq al-Muharraqa, Tehran: Jalaluddin Muhaddith Ermoi Publishing.
- Siyuti, Abd al-Rahman bin Abi Bakr (1974). History of the Caliphs, Beirut: Bina.
- Sobhani, Jaafar (2001). Wahhabism, intellectual foundations and practical record, Qom: Imam Sadiq Institute (AS). **[In persian]**
- Tibi, B. (2008). Religious extremism or religionization of politics? The ideological foundation of political islam. In H.F. Inbar, Radical Islam And International Security. New York: Routledge.
- Yazdani, Seyyed Mohammad (2013). Fatwa of takfiri currents on the permissibility of killing Muslims, Qom: Dar al-Alam for the school of Ahl al-Bayt (a.s.) **[In persian]**
- Powell.R (2016)"10 solid reasons for the connection between America and ISIS" <http://www.Farsnews.com/newstext.php?nn=13930401001362>
- Snowden. E. (2016)"10 solid reasons for the connection between America and ISIS".
<http://www.rajaneews.com/news/251202>.<http://fardanews.rasanetv.ir/page-822571.html>
- FBO. (2016)"10 solid reasons for the connection between America and ISIS" <http://www.ronpaul.com/2015-08-08/us-intelligence-confirms-us-support-for-isis/>
- Flynn.m. (2016)"10 solid reasons for the connection between America and ISIS"
<http://www.aljazeera.com/programmes/headtohead/2015/07/blame-isis->
- Trump.d. (2016)"10 solid reasons for the connection between America and ISIS"

<http://www.politifact.com/truth-o-meter/statements/2016/jun/15/donald-trump/donald-trump-suggests-barack-obama-supported-isis/>

COPYRIGHTS

© 2024 by the authors. Published by the Iranian Association of Geopolitics. This article is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution 4.0 International (CC BY 4.0) <https://creativecommons.org/licenses/by/4.0>

